

بررسی علل تحول در مشاغل بغداد در عصر عباسی از قرن ۷ تا ۷ هجری قمری

محدثه خسروی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

اردشیر اسد بیگی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

jafar.asadbeigi@gmail.com

محمود مهدوی دامغانی

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی (بازنشسته)، واحد مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

شهربانو دلبری

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Tarik_2003@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۷ شماره ۶۵ - صفحه ۳۱۰-۲۹۲

تاریخ دریافت: ۱۵/۴/۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۵/۸/۱۴۰۰

چکیده

تاریخ اجتماعی به عنوان گرایشی نو در بررسی تاریخ جوامع گذشته، تلاش می‌کند تا به زندگی روزانه مردم عادی توجه کند. در این مطالعات مؤلفه «مشاغل» به عنوان رکن اصلی حیات اجتماعی و اقتصادی، از اهمیت خاصی برخوردار است. شهر بغداد با ترکیب و ساختاری سیاسی و اقتصادی در زمره مشهورترین پایتخت‌های اسلامی قرار داشت. جاذبه‌های سیاسی، علمی و فرهنگی بغداد در دوره خلافت عباسیان به حضور پرشمار جمعیت در این شهر منجر شد و به تبع آن رشد شهرنشینی و گسترش امور اقتصادی و امور سیاسی به تحول مشاغل در این دوره منتهی گشت. این نوشتار ضمن بررسی مشاغل این دوره به عنوان بخش مهم از تاریخ اجتماعی در قرن‌های دوم تا هفتم هجری، سعی در نشان دادن علل تحول در مشاغل عصر عباسی دارد. این پژوهش سعی دارد با استفاده روش توصیفی و تحلیلی به پاسخ این پرسش دست یابد که علل تحول مشاغل در بغداد عصر عباسی از قرن ۷ تا ۷ هجری قمری چیست؟

به نظر می‌رسد از عوامل تحول در مشاغل بغداد در طی پنج قرن می‌توان به گسترش نظام اداری و پدیداری مشاغل گوناگون دولتی، رشد شهرنشینی و رفاه طلبی، ایجاد مراکز علمی و آموزشی، امنیت و گسترش اقتصاد و توسعه امور کشاورزی اشاره نمود

واژگان کلیدی: بغداد، خلافت عباسی، تحول، گسترش بازرگانی، گسترش نظام اداری.

مقدمه

«تاریخ اجتماعی» دیدگاهی نوین در تاریخ‌نگاری است که امروزه برخلاف روش سنتی که بیشتر توجه خود را به زندگی حاکمان، وقایع سیاسی و نظامی معطوف می‌داشت، به بررسی اجزای تشکیل‌دهنده زندگی روزانه مردم می‌پردازد و به آیت‌هایی نظیر مسائل اقتصادی، فرهنگی و حرف و شغل توجه می‌نماید (موسی پور، ۱۳۸۶: ص ۱۴۷). پرداختن به موضوع بررسی تحول مشاغل مسلمانان در بغداد از قرن دوم تا هفتم هجری از موضوعات مهم تاریخ اجتماعی است و پرداختن به بطن زندگی اجتماعی مردم در طول تاریخ موجب شناخت صحیح تمدن اسلامی می‌شود. بغداد توسط منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق) در سال ۱۴۲ق بنا گردید و به‌عنوان پایتخت عباسیان از قرن دوم تا هفتم به‌عنوان قطب اقتصادی، سیاسی، مرکز فرهنگی و علمی جهان اسلام به‌شمار می‌رفت (دوری، ۱۹۸۱: ص ۱). گسترش و قدرت‌گیری خلافت عباسی موجب شد تا بغداد مرکز خلافت با دگرگونی و تحولات در عرصه‌های گوناگون روبرو گردد که از آن جمله تحولات اجتماعی است. تحول در نظام اجتماعی ابعاد خاصی دارد، اما یکی از تأثیرپذیرترین ابعاد، بعد شغل و حرفه است. دولت عباسی برای حفظ امور و نظم در قلمرو خلافت خویش اقدام به تأسیس نهادهای اداری نمود که این امر موجب تحول مشاغل در بغداد و سایر مناطق تابعه گردید. این پژوهش بر آن است تا با مطالعه منابع مکتوب به بررسی تحولات در مشاغل بغداد از قرن دوم تا هفتم بپردازد و با روش توصیفی - تحلیلی به پاسخ این پرسش دست یابد که علل تحول مشاغل در بغداد عصر عباسی از قرن ۲-۷ هجری قمری چیست؟ پیرامون پیشینه تا کنون تحقیقات منسجمی صورت نپذیرفته است و تنها به صورت معرفی یک شغل تحقیقاتی صورت پذیرفته که بدین شرح است: پژوهش مجتهدی و همکاران در پژوهشی در سال (۱۳۹۱) به بررسی پیشینه تاریخی حرفه وراقت به‌عنوان یکی از مشاغل مسلمانان پرداختند. پژوهش صورت گرفته فقط به تحول یکی از مشاغل پرداخته است. نگار ذیلایی در پژوهشی در سال (۱۳۹۶) با عنوان حرفه آهنگری در منابع اسلامی از منظر تاریخ اجتماعی به بررسی حرفه آهنگری در دوران اسلامی پرداخته است که این پژوهش نیز به تحولات یک شغل در ادوار اسلامی پرداخته است. کتاب مجموعه مقالات با عنوان آموزش عالی در گستره تاریخ و تمدن اسلامی با اهتمام امیرحسین چیت‌سازیان (۱۳۸۸) به صورت تخصصی به معرفی دارالعلم‌ها پرداخته است و در باب تحول شغلی مطلبی بیان نشده است.

معنای لغوی تحول، شغل

تحول (revolution) به معنای برگشتن از حالی به حال دیگر؛ منقلب شدن؛ دگرگون شدن، دگرگون شدن اوضاع، جابه‌جا شدن (عمید، ۱۳۸۹: ص ۵۶۷). تحول به معنای تحول عظیم، اساسی، بنیادی، ریشه‌ای، زیرورو کردن، متحول ساختن (حق شناس، ۱۳۸۲: ص ۱۲۴) و به معنای سرنگون کردن نظام سیاسی و اجتماعی، کهنه و فرسوده و نامطلوب و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی مترقی و مطلوب است (مهاجر، ۱۳۸۲: ص ۲۸۶).

شغل فعالیتی است که به وسیله آن، انسان‌ها از محیط اطراف خود بهره می‌گیرند و یا درازای آن مزد دریافت می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۴: ص ۷۸۸). شغل به فعالیتی اطلاق می‌گردد که درآمد بالفعل دارد (دیانی، ۱۳۸۶: ص ۷۹). «شغل» فعالیتی است که به وسیله آن، انسان‌ها از محیط اطراف خود بهره می‌گیرند و یا در ازای آن مزد دریافت می‌کنند. (همان). شغل در مبانی دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (خنیفیر، ۱۳۹۱: ص ۶۴) در دیدگاه‌های اسلامی به کار به‌عنوان فعالیتی حتمی، الزامی و فضیلت و تقوا توجه می‌شود (حسنی، ۱۳۹۱: ص ۱۲).

شهر بغداد تکین خلافت عباسی

المنصور دومین خلیفه عباسی بغداد را به‌عنوان پایتخت در سال ۱۴۲ ق بنا نمود (رشید، ۱۳۶۹: ص ۲۱۳) و به مدت پنج قرن پایتخت خلافت عباسی شد (لسترنج، ۳۳۷: ص ۲). بغداد به سرعت به قطب علمی، اقتصادی و سیاسی جهان اسلام تبدیل شد و قرن‌ها مرکز فرهنگی جهان اسلام به شمار می‌رفت. منصور در اولین گام سیستم آبیاری و قنات را در آنجا پایه ریزی نمود و دستور داد تا افراد متخصص در زمینه‌های گوناگون از سراسر جهان اسلام به بغداد بیایند (موسوی، ۱۳۸۱: ص ۲۵) و چنان رشد و آبادی یافت که شهره آفاق گردید و تا پایان خلافت عباسی از رونق فراوانی برخوردار بود (ترابی، ۲۰۰۳: ص ۴۰). این شهر مرکز بزرگ فرهنگی نیز به شمار می‌رفت و مرکز مکاتب فقهی حنفی و حنبلی بود، همچنین بیت الحکمه و جامع منصور عباسی مرکز عمده علمی بود، کتاب‌فروشی‌های بسیاری در آن وجود داشت و شاعران و تاریخ‌نویسان و دانشمندان بسیاری در آن گرد آمده بودند (دوری، ۱۹۸۱ م: ص ۲۵). می‌توان این‌گونه بیان نمود که دوره خلاقیت فرهنگ اسلامی با بغداد پیوندی عمیق دارد (قره چانلو، ۱۳۸۰: ص ۲۴۸). علاوه بر این موقعیت جغرافیایی این آمادگی را به بغداد بخشیده بود که بتواند نقش یک مرکز اقتصادی مهم را بر عهده گیرد. وجود دربار خلافت که مصرف‌کننده مقادیر زیادی کالاهای تجملی وزینتی بود بر این گرایش می‌افزود. بغداد از طرق راه‌های کشتی‌رانی از یک سو به خلیج فارس و از سوی دیگر به موصل و سوریه پیوستگی داشت و کاروان‌هایی

را پذیرا بود که از طریق بیابان به دمشق یا از طریق جاده خراسان به ایران فرستاده می‌شدند. در حقیقت، بغداد نقطه عبور برای تمام نقل و انتقالات و مبادلات تجاری امپراتوری اسلامی بود (دوری، ۱۹۸۱، م:ص ۱۲۴). آنچه از شواهد تاریخی و اوضاع سیاسی و اجتماعی در دوران خلافت عباسیان در بغداد مشهود است، آن است که تعدد و تنوع صنایع در جامعه اسلامی نمودار شکوفایی آنست. از مطالعه کتب معروف حسب می‌توان به پیشرفت در زمینه تخصص در حرفه‌ها و صناعت‌ها پی برد، «این بسام» از حدود هشتاد حرفه و شغل سخن می‌گوید (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ص ۶۳). در بغداد به علت کثرت مشاغل، بازارهای تخصصی به وجود آمده بود، هر گروه از بازرگانان و هر نوعی از تجارت را در خیابان معین جای داد و در آن خیابان‌ها رسته‌ها، دکان‌ها و میدان‌ها بود، به نحوی که گروهی با گروهی دیگر و تجارتنی با تجارتنی دیگر در نیامیزد و نوعی از کالا با نوعی دیگر فروخته نشود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ص ۲۴۶).

گسترش مراکز علمی و آموزشی و تحول در مشاغل

بغداد بعد از برگزیده شدن به‌عنوان پایتخت در اندک زمانی مرکز فرهنگ جهان شد و این شهر به قطب علم آموزی و تجارت تبدیل گشت، به‌طوری‌که پایتخت دانش مسلمانان در شرق شد. خاندان ایرانی به‌خصوص برمکیان نقش بی‌بدیل را در این امر ایفا کردند، آنان با گردآوردن تحصیل‌کردگان از دانشگاه جندی شاپور ایران و معرفی یونانیان و هند باستان به جهان عرب واسطه انتقال علوم به تمدن اسلامی شدند (لسترنج، ۱۳۳۷: ص ۲). بغداد مرکز مکاتب فقهی حنفی و حنبلی بود و مراکز عمده دانش‌پژوهی چون بیت الحکمه همچنین کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان مراکز مطالعه و تحصیل که مشهورترین آن‌ها دارالعلم ابونصر شاپور بن اردشیر، نظامیه و مستنصریه بغداد است، همچنین تعداد فراوان کتاب‌فروشی‌هایی که گاهی به‌صورت محافل ادبی درمی‌آمد میزان فعالیت‌های فرهنگی آن را نشان می‌دهد. نخستین زاهدان و عارفان نیز اسباب شهرت بغداد شدند و نخستین متکلمان از منطقیان خردگرای مانند معتزلیان یا محافظه‌کاران سنت‌گرا در آنجا دیدار داشتند و گاه نیز به جاذبه حلقات و جلسات حکومتی بدان جا کشانده می‌شدند (دوری، ۱۹۸۱، م:ص ۱۲۵). مدرسه خلافتی در دربار خلفا تشکیل می‌شدند و افراد را برای آموزش عالی و به‌منظور خدمت به دستگاه حکومتی آماده می‌کردند. محافل ادبی و مجالس وعظ در تالارهای ادبی و به‌گرد خلفا و ملازمان آن‌ها تشکیل می‌شدند، پژوهشگران نامور در این محافل جمع می‌شدند و درباره مباحث مختلف به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. این محافل در زمان عباسیان به‌ویژه در دوره خلافت هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳) و مأمون (۲۱۸-۱۷۰ق) به اوج فعالیت خود رسیدند (سیوطی، ۱۳۸۲: ص ۲۶۴). در سده چهار و پنج

هجری امیران و وزیران دولت آل‌بویه به تأسیس دارالعلم‌ها همت گماشتند. به همین جهت آن عصر را «دوران نوزایی فرهنگی جهان اسلام» نامیده‌اند (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹: ص ۱۸). بنابر یافته‌های علمی واقعیت‌های تمدنی این دوران مشتمل بر عناصر و ویژگی‌هایی است که از مهم‌ترین این عناصر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: رویکرد جدی به ترجمه متون، ورود کاغذ به سرزمین‌های اسلامی، تأسیس کارخانه‌های کاغذسازی، ایجاد مراکز استنساخ و رونویسی از کتب، یا به‌طور مستقل یا در محدوده کتابخانه‌های عمومی و خصوصی (مکی، ۱۳۸۳: ص ۳۶۳). گستردگی و تخصص‌گرایی در علوم گوناگون، حضور علما، دانشمندان و طالبان علم موجب پدیداری و تحول در اشکال شغلی مراکز علمی و آموزشی در قرن‌های متمادی در بغداد عصر عباسی شد. مراکز علمی در بغداد بدین شرح می‌باشد:

بیت الحکمه

نخستین مرکز فرهنگی در جهان اسلام که ایرانیان در تأسیس و رونق آن نقش داشتند، بیت الحکمه (خانه دانش) در بغداد بود. بیت الحکمه به دستور مأمون خلیفه عباسی، در بغداد تأسیس گردید، بیت الحکمه برای مطالعه کنندگان دارای وسایل کار و جای مطالعه بوده است. عده بسیاری در این مرکز به ترجمه کتاب مشغول بوده‌اند، محققان و مترجمان در این مرکز زیر نظر رییس مرکز به ترجمه کتب می‌پرداختند و بابت آن حق‌الزحمه دریافت می‌نمودند. این مرکز تا حمله مغولان به بغداد ۶۵۶ ق دایر بوده است. خاندان بختیشوع از پزشکان نسطوری ایران ابن المقفع، خاندان نوبخت، از متبحرترین مترجمین این مرکز علمی و دارالترجمه بودند و ابوالعباس نوبختی، فرزند ابوسهل نیز آثاری را از پهلوی به عربی بازگرداند (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ص ۴۹۲). این مراکز علاوه بر کار ترجمه به تربیت مترجمین می‌پرداختند که شغلی جدید در جهان اسلام محسوب می‌شد.

دارالعلم‌ها: کتابخانه و مرکز پژوهشی و آموزشی

از لحاظ ساختاری، دارالعلم‌نهادی فرهنگی و پژوهشی است که می‌توان آن را حلقه اتصال خزانه الحکمه و بیت الحکمه در عصر اوگ عباسی (با مدرسه) از قرن پنجم هجری به بعد محسوب کرد (محمودی و پرویش، ۱۳۹۳: ص ۲۷۷). در واقع دارالعلم برخلاف کتاب‌خانه که از آن به‌عنوان خزانه کتاب یاد می‌شود، ترکیبی از کتابخانه، تالار مطالعه، نمایشگاهی متصل به آن بود (کبیر، ۱۳۸۱: ص ۱۸۱). در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری با زوال تدریجی نهادهای بیت الحکمه و خزانه الحکمه، دارالعلم‌ها وظیفه حفظ میراث‌های علمی و نشر دانش را بر عهده گرفتند (العش، ۱۹۹۱: ص ۱۷۳). علاوه بر این دارالعلم‌ها به‌صورت مراکز تدریس و مباحثه علمی نیز مبدل گشتند و با برخورداری از فضای برای اسکان استادان و دانشجویان مشغول به کار استنساخ و پژوهش در جهت رفاه آنان قدم برداشتند (حاجی سید جوادی، ۱۳۷۸: ص ۴۰۰). نخستین دارالعلم را در سال

۳۸۳ق ابونصر شاپور بن اردشیر بن فیروز وزیر باکفایت آل‌بویه در محله شیعه‌نشین کرخ بغداد بانام دارالعلم شاپور (دارالعلم شاپور، دارالعلم شاپور) پایه‌گذاری کرد. (متر، ۱۳۶۴: ص ۳۲۹/۱-۳۳۰). به‌طور مثال در باب کارمندان مرکز دارالعلم شاپور می‌توان این‌گونه بیان نمود که سه نفر مدیر اداری که شورای کتابخانه را تشکیل می‌دادند، یک کتابدار و زیردست او، یک خدمتکار زن و به‌احتمال چند نفر نساخ (کریمی زنجانی، ۱۳۸۹، ۶۸) علاوه بر آن دو خدمتگذار و مستخدم کتابخانه (معمری، ۱۹۹۸: ص ۷۳). دانشمندان و افراد عادی در آن به کار خواندن، نوشتن، استنساخ کتاب‌ها، ترجمه، صحافی و وراقی می‌پرداختند. در این مراکز محلی هم برای سکونت و زندگی افرادی در نظر گرفته‌شده بود که مسئول حفاظت از کتابخانه و مرکز بودند و همگی از حقوق و مواجب برخوردار بودند (محمدی، پرویش، ۱۳۹۲: ص ۱۷۶). علاوه بر این امور خوشنویسان و خطاطان زبردستی به شغل نسخه‌برداری از کتب گوناگون مشغول به کار بودند. پس از آن الگوی پایه‌گذاری دارالعلم‌ها به‌عنوان مرکز آموزشی از بغداد به اقصی نقاط جهان اسلام روانه گردید. به این نکته باید توجه داشت که هر دارالعلم مشتمل بر کارمندی بود که به امور خاصی مشغول بودند از مدیران و معلمان تا کارمندان کتابخانه تا کتاب نویسان و امور خدماتی در این مراکز موجب تحول مشاغل در بغداد عصر عباسی شده بود.

نظامیه بغداد

باروی کار آمدن حکام سنی نهاد مدرسه به‌جای دارالعلم جایگزین شد. در عهد سلجوقیان و به دوران سلطنت ملکشاه و وزیر با تدبیرش خواجه نظام‌الملک طوسی به لحاظ فرهنگی و سیاسی رقم خورد و با شکل‌گیری مدرسه نظامیه به عنوان بزرگترین دارالعلم اسلامی در بغداد، قلمرو نگاه بسیاری از دوستان علم و دانش بویژه علوم دینی، به بغداد و نظامیه‌اش معطوف گشت و مرکز خلافت عباسی «به یکی از مراکز مهم سیاسی و علمی و ادبی دنیای اسلام» مبدل گردید (کسانی، ۱۳۵۸: ص ۱۱۲). مدرسه نظامیه در سال ۴۵۹ق و مدرسه مقبره ابوحنیفه در سال ۴۵۹ق افتتاح شدند (عواد، ۱۹۸۶م: ص ۱۴۵). هدف از این مدارس تربیت کارگزاران آینده حکومت و روحانیت بر پایه معنویت و علم به اسلام خالص و راستین بود. برای این منظور در این مدارس سازمانی مجهز به وسایل لازم برای تحصیل و زندگی معلمان و متعلمان به وجود آورده بودند که تا آن زمان در جهان آموزشی و علمی این کار از لحاظ مادی و معنوی به ابتکار و خواست شخصی و فردی انجام می‌شد. این مدارس دولتی موجب شد تا شغل جدیدی در زمینه موقوفات این مدارس و حفظ آن پدیدار گردد. به دستور خواجه نظام‌الملک طوسی فردی به‌عنوان متصدی ثبت و ضبط موقوفات و اموال مدرسه (متصدی اوقاف) در دفتری خاص منصوب گردید، از شرایط وقف نامه نظامیه بغداد این بود که کارکنان مدرسه اعم از مدرس، واعظ، کتابدار، قرآن‌خوان و شافعی‌مذهب باشند. در این مدارس مشاغلی چون تولید نظامیه‌ریس یا سرپرست بازرس و مسئول اوقاف و متصدی مخصوص دفاتر (مسئول اموال)، استادان، معیدان (دستیار استاد)، (محمد نیا، ۱۳۸۶: ص ۲۲)، دربانان و خدمتکاران که وظیفه نظافت و تأمین مایحتاج عمومی چون سوخت و روشنایی را بر عهده داشتند. (همان، ۶۴). در نظامیه بغداد، دارالکتب (کتابخانه) بزرگ و مجهز به انواع کتابها متناسب با تشکیلات وسیع مدرسه دائر گردید و به دستور بانی و متولی مدرسه، کتابدار یا رئیس کتابخانه به عنوان یکی

از ارکان آموزش تعیین گردید. سرپرستان کتابخانه، خود از ادیبان و دانشمندان بنام و عضو هیأت آموزشی مدرسه بودند. (کسائی، ۱۳۸۳: ص ۴۷۰) یکی از آنان، ابویوسف اسفراینی (م ۴۸۸ هـ ق) است که مردی فقیه، سبک شناس، ادیب، شاعر و خطاط بود و سمت خازن الکتب کتابخانه نظامیه را بر عهده داشته است (العش، ۱۳۷۲: ص ۱۸۵). نظام الملک علاقه وافری به این کتابخانه داشت و خود مراقبت و نظارت بر کارهای آن همت می گماشت. (همان). کتابداری نیز از مشاغل مصوب در نظامیه بغداد بود که ماهانه ده دینار حقوق داشت. از جمله وظایف کتابداران که جملگی از خطاطان بودند، استنساخ و تکثیر کتب و رسالات بود. نظامیه بغداد سازمان آموزشی و اداری منظمی داشته است (کسائی، ۱۳۵۸: ص ۱۲۱) و مدرسان برای منصب تدریس بر مبنای ضوابط و قیود خاصی برگزیده می شدند (همان)

دستگاه خلافت، گسترش نظام اداری و تحول در مشاغل

با گسترش اسلام و قدرتمند شدن دولت عباسی مشاغل دولتی در آن افزایش یافت و سیستم اداری نیز گسترده تر شد و شکل گیری انواع وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها نمایی از این تحولات در عصر عباسی بود. حکومت عباسی با اقتدار خلیفه، تقسیم وظایف، گسترش دواوین، تمرکز نظام اداری و کنترل دیوان سالاران توسعه یافت. خلیفه مهم‌ترین عنصر ساختاری در نظام سیاسی افزون بر جایگاه معنوی، عهده‌دار وظایف حکومتی اعم از نظارت و اجراء امور جاری بوده، عزل و نصب کارگزاران و امرای حکومتی به عهده خلیفه بود (جان احمدی‌الهامی، ۱۳۹۱: ص ۱۳۷). نهاد خلافت خود به وجود آورنده مشاغل گوناگونی در دو زمینه اداری و خدماتی بود. کاخ خلافت یا دارالاماره معمولاً در وسط شهر، نزدیک مسجد جامع واقع بود. علاوه بر وزرا و پرده‌داران و کارمندان و لشکریان، عده بسیاری پیشه‌ور و صنعتگر در کاخ خلافت کار می‌کردند در آنجا، دربانان، خادمان، خبرگزاران، مؤذنان، منجمان، پرچم‌داران، شیپورچیان، طبلان، آشپزان، ناظران شراب، سقاها، صنعتگران زرگر، دوزندگان، گازران، کششگران، آهنگران، رفوگران، طرازدوزان، درودگران، خراطان، نگهبانان اسلحه خانه و صنعتگران اسلحه‌سازی، نگهبانان سازوبرگ اسبان و کسانانی که در اصطبلها کار می‌کنند، و ملاحان سرگرم کار بودند (یعقوبی، ۱۳۷۹ق- ۱۹۶۰م: ص ۲۰۴) علاوه بر آن مؤسساتی که جنبه اقتصادی داشتند مانند ضرابخانه‌ها، همراه با بسیاری صنعتگر و ناظر جزء کاخ خلافت یا دارالاماره بود. طراز خانه‌های رسمی که در بسیاری از شهرها رایج بود و عده زیادی بافنده و رنگرز و طرازگر در آنها کار می‌کردند در این بخش قرار داشت (سعید الشیخی، ۱۳۳۲: ص ۲۲). گستردگی حضور افراد با مشاغل گوناگون را می‌توان از محبوب‌ترین سرگرمی در عصر عباسی شکار دریافت، هنگامی که خلیفه میل به شکار پیدا می‌کرد به میرشکار خود دستور می‌داد تا تدارکات لازم را مهیا سازد. گروه‌های مختلفی چون تیراندازان، تله گذاران، دوندگان، یوزبانان، سگبانان، مهتران و... بلافاصله تشکیل می‌شد. انواع خوراک و وسایل سفر مهیا می‌گشت (احسن، ۱۳۳۹: ص ۷۵) همچنین فراوانی طبقه پیشه‌ور شاغل در دارالخلافت حکومت را از دستمزدی که در زمان معتضد (۲۸۹- ۲۷۹ق) میان آنان توزیع می‌گردید می‌توان دریافت: مزد سقاها در دارالخلافت در آن ایام، روزانه به چهار دینار می‌رسید و مزد آشپزها روزانه سی دینار بود، مزد صنعتگران زرگر، خیاط، گازر، کفاش، آهنگر، رفوگر، پوستین‌دوز، طرازگر، وراق، عطار، نجار، خراط، سبدباف و دیگر پیشه‌وران و صنعتگران

در دارالخلافه معتضد روزانه صد دینار بود و اگر بدانیم که مزد صنعتگران ناچیز بوده و از یک درهم و دو درهم در روز تجاوز نمی کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷-۱۹۹۷: ۸۶۶). تجمل گرایی خلفای عباسی و رسوم پدید آمده سبب شد که دیوان طراز به طور عمده به تهیه و تولید لباس های رسمی، پرچم ها، علامت ها و نشانه های دولتی بپردازد. این دیوان لباس های نیروهای مسلح، کارگزاران دولت، و به ویژه تن پوشش های فاخر خلیفه و دربار اموی و عباسی را تهیه می کرد. دیوان طراز بعدها بر امور پولی و ضرب سکه نیز نظارت کرد و بر مقیاس های وزن، کیل و متر (به اصطلاح امروز) نیز نظر نمود که با گسترش این امور در دوره عباسی، به تدریج دیوان های مستقلی شکل گرفتند (فیرحی، ۱۳۸۵: ص ۱۰۹).

با فتح ممالک و افزون شدن قلمرو خلافت عباسی و نیاز حکومت به دیوان های جدید و پیچیدگی امور اداری موجب شد تا مشاغل جدیدی به وجود آید، چنان که با گسترش وظایف دبیری منصب وزارت پدید آمد. دیوان سالاری و تشکیلات اداری دولت اسلامی در دوره عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ق) به لحاظ سیاسی- اداری از ساختار و تشکیلات منسجم تر و قدرتمندتری برخوردار بود. یکی از عوامل این مهم طبقه دبیران و وزیران ایرانی بودند که زمام امور را در دستگاه خلافت به دست گرفتند و آداب و سنت های اداری خود را در تشکیلات دیوانی اسلام به کار گرفتند (فرهمند پور، ۱۳۹۳: ص ۱۰۲). در این دوره پایگاه اجتماعی دبیر (کاتب) فزونی گرفت، بدان صورت که با ایجاد وزارت، دفتر مراسلات خلیفه به دست وزیر افتاد و کاتبان نامه ها را می نگاشتند و وزیر امضا می کرد (زیدان، ۱۳۸۶: ص ۱۹۶).

وزیر در عصر عباسی در رأس طبقه دبیر مسئول اداره دستگاه حکومت بود (یعقوبی، ۱۳۷۹ق- ۱۹۶۰م: ۴۰۰/۲) و این نهاد اجرایی در خلافت اسلامی، برای نخستین بار در این دوران شکل گرفت و وارد نظام سیاسی مسلمانان گردید. ابن طقطقی در تاریخ فخری توضیح می دهد که «پایه وزارت در دولت بنی عباس نهاده شد و قوانین آن در زمان ایشان برقرار گردید» (ابن طقطقی، ۱۳۳۳: ص ۲۰۶). وزیر مدار سیاست و امین اموال کشور بود (ماوردی، ۱۹۷۹م: ص ۱۳۷). در این دوره وزارت به دو گونه بود: وزیر تفویض تمام نصب و عزل ها را مستقیماً به عهده دارد و فرمان های وزیر احتیاج به تأیید مجدد خلیفه ندارد و به استثنای قریشی بودن، شرایطی همسان شرایط امام و خلیفه دارد (خانجی، ۱۲۸۳ق: ۸۵/۹۱). وزیر تنفیذ صرفاً مجری دستورات خلیفه است و چون کاری جز اجرای دستور او ندارد، هیچ گونه مسئولیت و مواخذه ای هم نخواهد داشت (همان، ۳۰۷). از تحولات مهم دیگر در مشاغل خلافت در عصر عباسی پیدایش مقام امیرالامرای به سال ۳۲۴ق و از بین رفتن مقام وزارت بود که در حقیقت کاتب، جانشین وزیر گردید. نخست کاتب امیرالامرا و سپس کاتب بویهی جای وزیر عباسی را گرفت و به این ترتیب مقام وزارت برای چندین سال منسوخ گردید (صولی، ۲۰۰۷: ص ۲۰۵). از دیگر مشاغل نوین در عصر عباسی منصب نقابت بود که منصبی اداری و دیوانی در دستگاه آل بویه به شمار می آمد و در این دوره نقابت عباسیان و هاشمیان از هم جدا گشت. این منصب برای رسیدگی به امور خاندان پیامبر (ص)، بررسی انساب خاندان های سادات، ثبت شجره نامه، ولادت، ازدواج، وفات، مهاجرت و اشتغال، منع از ارتکاب به معاصی و منکرات، حمایت از افراد در رسیدن به خواسته های قانونی و شرعی، استیفای حقوق و... اهتمام پدید آمد. (خالقی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۳-۱۴۵). تقیب برای رسیدگی به امور کارگزارانی

چون قائم مقام یا جانشین با اختیارات کامل، نایب یا نماینده، دستیار و معاون، امین و وکیل و تقیب در انتقال پیامها و فرمانها، مسئول روابط عمومی و صاحب سر تنظیم کننده ملاقات و رفت و آمدها، کاتب، خزانه دار، کارمندان امور مالی و اداری، خدمه و گردآورندگان اطلاعات و گزارشها، در اختیار داشت (فخرالدین رازی، ۱۴۰۹ق:ص ۱۱۹؛ ملک مکان، ۱۳۸۹:ص ۲۶۰).

در دوره عباسیان، دیوان قضا نیز شاهد تغییر و تحولاتی بود که موجب شد قضاوت از امارت جدا و نظام قضایی به عنوان منسی مستقل زیر نظر خلیفه فعالیت نماید (متز، ۱۳۶۴:ص ۲۴۶). از دیگر تغییرات سازمان قضایی، پیدایش منصب قاضی القضاتی بود که در زمان هارون شکل گرفت. عزل و نصب قضات تمام بلاد اسلامی از سوی خلیفه به وی تفویض شد (زیدان، ۱۳۸۶:ص ۱۸۸). علاوه بر عزل و نصب قضات ولایات، نظارت بر نحوه عملکرد آنها نیز در حوزه اختیارات مقام قاضی القضات مرکز خلافت بود. دخالت و نفوذ قاضی القضات در تحولات سیاسی، از جمله مواردی بود که به کرات مشاهده می شود؛ نقش قاضی القضات در جریان خلع و نصب المقتدر عباسی (خلافت ۲۹۵-۳۲۰ق) و دخالت های این مقام در امور سیاسی، نشان از گسترش حوزه اختیارات قاضی القضات دارد (ابن اثیر، ۱۹۶۵:ص ۲۰۱). در دوره ضعف خلفای عباسی مشاغل و مناصب دولتی برای تأمین هزینه های دارالخلافت به فروش می رسید. مقاطعه و خرید و فروش مناصب و پرداخت رشوه به منظور دستیابی به شغل و مناصب دولتی از امور رایج عصر دوم خلافت عباسی گردید. به سال ۳۲۸ق با درگذشت قاضی القضات، پسرش با پرداخت بیست هزار دینار منصب قضاوت را به دست آورد، خلافت عباسی گردی (الهمدانی، ۱۹۶۱: ۲۳۸۸).

رشد شهرنشینی و تحول در مشاغل

با آغاز تمدن اسلامی بسیاری از ابعاد مادی و معنوی این تمدن در قرون دوم تا هفتم هجری به اوج خود رسید. جهان اسلام به ویژه در وجوه مادی خود شاهد گسترش بسیاری بود زندگی شهری که معلول فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این قرون بود، در دل خود تحولات بی شماری از جمله رونق زندگی مادی و سطوحی از اقتصاد پولی را تجربه کرد. بغداد از حیث [ترکیب] جمعیت، بین المللی بود. ساکنانش آمیزه ای از ملت ها و رنگ ها و مذاهب مختلف بودند که برای کار، تجارت، سپاهیگری، یا به عنوان برده به این شهر راه یافته بودند (ابن اثیر، ۱۳۷۱:ص ۸۱).

با اقدامات خلفای عباسی بغداد از حیث احداث بناها، فعالیت های بازرگانی، ثروت و جمعیت به سرعت توسعه یافت. افزایش ثروت شهر بغداد که رفاه ساکنان آن را در پی داشت منجر به تجمل گرایی گردید. تمایل به خرید اشیاء زینتی و لوکس فقط منحصر به طبقه ی اشرافی و ممتاز جامعه نبود، بلکه عامه ی مردم از خریداران این کالاهای گران قیمت بودند. در واقع تغییرات سیاسی که تحولات فرهنگی را به همراه داشت منجر به دگرگونی شیوه ی زندگی مردم شد که مستلزم فراهم شدن کالاهای متنوع در پایتخت گردید (الکبسی، ۱۹۷۹م:ص ۱۱۹). بازار بزرگ شهر یا «بازار عتیق» چنان رونق گرفت که بار دیگر شهرتی عالم گیر یافت. در «منجم العمران» آمده است که: «بازارش از همه بازارهای شرق زیباتر است (حموی، ۱۹۹۵م:ص ۱۳۷).

بدین ترتیب شهرها به نسبت توسعه ی تمدنی، نیازمند لوازم رفاهی و تجملی می شوند و انواع مشاغل و پیشه هایی که در

شهرهای کوچک یافت نمی‌شود، در آنجا پدید می‌آیند؛ در حالی که برخی پیشه‌های حیاتی مانند کشاورزی، خیاطی و بنایی و آهنگری به سبب نیاز ضروری مردم به آن‌ها، در بیشتر شهرها یافت می‌شوند (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ص ۲). رشد فعالیت‌های بازارهای بغداد متناسب با میزان پیشرفت و رشد شهرنشینی آن بود و ارتباط قوی با رفاه اقتصادی مردم داشت (الکبیری، ۱۹۷۹: ص ۱۱۴). از این رو با رشد و رونق اقتصاد و توجه خلفا به تجارت بر تعداد بازارها افزوده شد (تاد؛ کوپر، ۱۳۴۲: ص ۲۸۱). بغداد دارای بازار و اصناف متعددی بود، در قسمت غربی بغداد منطقه‌ی تجاری پایتخت عباسیان، بازار کرخ بود. بازرگانان کالاهایی چون انواع پارچه‌های نفیس، عطریات، ادویه‌جات، سنگ‌های قیمتی، مصنوعات گران‌قیمت، بردگان و کنیزان، انواع میوه، مواد غذایی، معدنی را در معرض فروش قرار می‌دادند (لومبارد، ۱۳۹۰: ص ۳۳).

با افزایش جمعیت در شهر بغداد خدمات عمومی و عمرانی نیز گسترش چشمگیری پیدا کرد، به‌طور مثال در زمان هارون مریم‌خانها، کتابخانه‌ها و بازارها رونق فراوان گرفت (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷-۱۹۹۷: ص ۱۶۰). خطیب بغدادی نیز بغداد عهد هارون را چنین توصیف می‌کند: «سعت توابع و گسترش بغداد در سراسر جهان از نظر جلال و شکوه بی‌همتا است هم‌چنین از حیث ابعاد و تعدد خانه‌ها، کاخ‌ها، کوچه‌ها، خیابان‌ها، مغازه‌ها، دکان‌ها، بازارها، راه‌ها، مساجد، و گنرها حمام و راه‌های برون شهری و کاروانسراها، هوای مطلوب و آب گوارا، و سایه خنک بی‌نظیر است. در بازارهای شهر اصناف بر اساس حرفه‌هایشان دسته‌بندی شده بودند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷-۱۹۹۷: ۸۰/۱).

در عهد عضد الدوله دیلمی (۳۷۲-۳۳۴ق) به دستور او تعمیر خانه‌ها و بازارهای شهر بغداد را صادر و در تجدید بنای مساجد جامع آن پول بسیار خرج کرد. وی باراندازهای کنار دجله را تجدید بنا کرد و به توانگران دستور داد که خانه‌های خود را که در مجاورت دجله بود تعمیر و در قصرهای ویران بلون صاحب باغ احداث کنند، و چون پل مرکزی را باریک و خراب یافت، آن را تعمیر و تعویض کرد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: م ۵۵/۸). در عهد المقتدر بالله (۲۹۵-۳۱۹) علاوه بر توسعه کاخ‌ها و محلات قدیم، بناها و محلات جدیدی احداث گردید؛ که این اقدامات می‌بایست بیش‌تر در دوره اولیة حکومت وی انجام گرفته باشد (مسعودی، ۳۵۵/۱۳۷۴، ۲). این ساخت و سازها کارگران و صنعتگران ماهر و نیمه ماهر را طلب می‌نمود که متناسب با کار ارائه شده به ساخت و تزیینات سفارش دهنده به ساخت آن همت گمارند.

با گسترش شهرنشینی در بغداد ساکنان شهر به مراکز بهداشتی برای رفع نیازهای پزشکی خویش نیازمند شدند. خلفای عباسی با اهتمام به این امر به ساخت و تجهیز بیمارستان در بغداد پرداختند. خلیفه منصور در بغداد برای نابینایان و پیرزنان بازنشسته بیمارستانی ساخت و بیمارستانی هم برای معالجه دیوانگان برپا کرد (احمد رمضان، ۱۹۷۸: ص ۱۴۷). در قرن سوم و چهارم/نهم و دهم، توجه به خدمات رفاهی و عمومی فراوان مبذول می‌شد که موجب شد تا بیمارستان‌های مجهزی احداث شود. از جمله بیمارستان سیّده (۳۰۶)، بیمارستان مقتدری (۳۰۶)، و بیمارستان عضدی (۳۷۲) مشهور بودند. وزیران و دیگر بزرگان نیز بیمارستان‌هایی تأسیس کردند. در فواصل معین، کار طیبیان مورد بازدید و نظارت قرار می‌گرفت (الخصری، ۱۹۸۹: م ۷۷/۲).

هریک از پزشکان در یک رشته صاحب تخصص بودند، برای مثال تخصص‌هایی همچون جراحی، شکسته‌بندی، حجامت و رگ‌زنی، داغ کردن و درمان سرپایی بیماران و... در میان اطباء وجود داشت (مکی، ۱۳۸۳: ص ۳۵۲-۳۵۳). در سال ۳۵۵ هجری قمری تنها در بغداد ده بیمارستان در رشته‌های مختلف تخصصی وجود داشت که از آن جمله‌اند: بیمارستان مبتلایان به جذام، بیمارستان دیوانگان، بیمارستان مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیمارستانی برای عملیات جراحی بود (ابن ابی اصیعه، ۱۳۸۶: ص ۹۵). حکام به سبب توجهی که به بیمارستان‌ها داشتند، در روزهای جمعه بیمارستان‌ها را بازرسی می‌کردند و به شکایات بیماران در آنجا گوش می‌دادند (احمد رمضان، ۱۹۷۸م: ص ۱۴۷). شمس الملوک (فرزند نظام الملک) مکتبی برای کودکان یتیم تأسیس کرد. در ۶۰۶ مهمانسرا (دار الضیافه)‌هایی برای دستگیری از مستمندان در ماه رمضان، در همه محلات بغداد ساخته شد (دوری، ۱۹۸۱م: ص ۳۳).

شهرهای بزرگ عربی اسلامی بسیاری از نیروهای کارگری را جهت فراهم نمودن امکانات کار و کسب، و رفع نیاز مردم شهرها برای رفاه و آسایش جذب کرد و بدین ترتیب استادان ماهر صنایع به این شهرها منتقل گردیدند (یعقوبی، ۱۳۷۹ق- ۱۹۶۰م: ص ۲۴۵). خلافت عباسی برای تأمین کارگر و صنعت‌گر ماهر اجازه کوچ به شهرها را می‌داد، مثلاً اهالی مرو و بخارا اجازه یافتند که در شهر بغداد ساکن گردند (همان، ۲۴۸). گفته شده منصور آنگاه بنای شهر بغداد را آغاز کرد که «صد هزار تن کارگر و اهل فن» (همان، ۳۳۸). برای این کار فراهم کرده بود. بدون شک، اجتماع چنین گروه کثیری از کارگران و صنعتگران از همه شهرهای دولت اسلامی علاوه بر تأثیر نهادن در رونق صنعت، موجب برخورد و تبادل اطلاعات و مهارت‌ها نیز می‌گردد (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ص ۱۶). نیاز طبقه مرفه به تولیدات رفاهی و تجملی صنعتگران و پیشه‌وران، باعث جذب بسیاری از نیروهای کارگری به شهرها برای کسب و کار و رفع نیازهای رفاهی طبقه شهرنشین گردید. در دوره عباسی زنان نیز به مشاغل و حرف‌گوناگون اشتغال داشتند، گروهی از آنان را در کار تعلیم دختران مشاهده می‌کنیم که قصائد و اشعار و سخنوری و اخلاق‌بدان‌ها می‌آموختند، زنانی نیز به‌عنوان آشپز، آسیابگر و حجامتگر در خانه‌ها به کار می‌پرداختند و حرفه برخی پشم‌ریسی بود، حتی بازاری مخصوص زنان وجود داشت که در آنجا پشم‌هایی را که خود رشته بودند می‌فروختند، چنانکه بعضی از ایشان به پاک کردن پنبه و کتان برای پنبه‌فروشان و کتان‌فروشان اشتغال داشتند. برخی از زنان برای جاروب کردن مساجد اجیر می‌شدند زنان در جامعه اسلامی حتی در زمینه غنا و موسیقی هم به کار می‌پرداختند و بعضی از آنان در نواختن یک آلت خاص تخصص داشتند، در میان آن‌ها نوازنده عود، طنبور، ریاب، سنج و نیز رقاصه مشاهده می‌کنیم (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ص ۶۵-۶۴).

عوامل توسعه بازرگانی و تحول مشاغل

نظام بانکی

یکی از مؤثرترین متغیرها در تحول مشاغل در دوران خلافت عباسی در عرصه بازرگانی در این زمان به وقوع پیوست. در این دوره اسلوبی در معاملات مالی پدید آمد که به بازرگانان اجازه می‌داد تا ثروت‌های خویش را در مسیر شرق و غرب به جریان

اندازند (متر، ۱۳۶۴: ۳۸۳/۲) و این نظام بانکی بود. برقراری ثبات و آرامش اجتماعی و گسترش امنیت و عدالت در سایه انسجام قدرت مرکزی، از عوامل مهم زمینه‌ساز رشد و شکوفایی فرهنگی و تمدن اسلامی در عصر اول عباسی بود. به‌عنوان نمونه‌ای از مصادیق افزایش امنیت در عرصه تجارت، می‌توان به افزایش استفاده از چک و سفته در عصر اول عباسی به‌جای پول نقد در معاملات تجاری اشاره کرد (ربانیزاده، ۱۳۹۱: ص ۶۲). گسترش و توسعه‌ی شهر بغداد و ایجاد ضرابخانه و مهارت ذمیان در مبادله‌های نقدی و پیدایش نظام بانکی همگی در رشد فعالیت‌های بازرگانی بازارها نقش داشت (الکبیری، ۱۹۷۹: ص ۱۳۵).

امنیت و توسعه اقتصادی

مهم‌ترین عامل رشد و توسعه‌ی بازرگانی را می‌توان امنیت جاده‌ای و دریایی یک سرزمین دانست. بغداد موقعیت نظامی استواری داشت که موجب برتری آن بر دیگر شهرها می‌شد؛ زیرا دسترسی به آن جز از طریق پل‌ها ممکن نبود و با ویرانی آن‌ها شهر از تصرف دشمن ایمن بود و رودخانه‌های دجله و فرات حصار و خنثی‌کننده‌ی طبیعی به وجود می‌آوردند. همچنین بغداد از مناطق مرزی روم دور بود و این موجب امنیت و مصون ماندن آن از حملات رومی‌ها می‌شد (طوقوش، ۱۳۸۷: ص ۵۹). خلفای عصر اول عباسی نیز اقداماتی از جمله احداث بناها و کاروانسراها، ایجاد شبکه‌ای از راه‌های تجاری و برقراری ایستگاه‌های نگهداری در راه‌ها جهت امنیت جامعه به عمل آوردند که موجب گسترش امنیت، آبادی شهرها و تبدیل شدن بغداد به مرکز تجاری، فرهنگی و هنری شد (همان، ۴۵). مأمون در قراردادی که با امپراتوری روم بست امنیت راه‌ها، شهرها و گسترش بازرگانی بین دو طرف را مدنظر قرارداد (طبری، بی‌تا: ص ۵۷۴). بسیاری از افراد از سوی خلفا و وزرای آن‌ها مأمور شدند تا اطلاعات مربوط به مسافت راه‌ها و دیگر ویژگی‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی را جمع‌آوری کنند (طوقوش، ۱۳۸۷: ص ۳۵).

وائق عباسی (حک: ۲۲۷-۲۳۲ ق) نیز برای رونق بازرگانی امنیت را در راه‌های تجاری شمال جزیره‌العرب برقرار کرد (همان، ۱۷۹). عدم امنیت در سرزمینی بر تجارت تأثیر فراوانی داشت و منجر به رکود بازرگانی خارجی و کمی کالاها در بازارها میشدند. جنگ، زد و خورد، غارت، راهزنی، حمله به کاروان‌های تجاری و خرابی جاده‌ها و پلها علاوه بر خطراتی که در مسیرهای تجاری برای کاروانها به همراه داشت موجب عدم حضور به‌موقع کاروانها به محل تجارت میشد و منجر به ضعف و یا قطع دادوستد در منطقه یا سرزمینی میگشت (بووا، ۱۳۵۲: ص ۵۴). علاوه بر این در تجارت دریایی نیز دزدی و طوفانی شدن دریا در برخی مواقع منجر به شکستن و از بین رفتن کشتیها و کالاها میشد (تاجر سیرافی، ۱۳۸۱: ص ۹۵).

علاوه بر امنیت راه‌های مواصلاتی در درون بازار نیز نهادی را می‌توانید تا به برقراری امنیت بپردازد که نهاد حسبه مجری این امر بود. حرفه‌ها در عصر عباسی از آزادی مطلق برخوردار نبود، بلکه دولت که نظارت بر امور آن‌ها و ارشاد فعالیت‌هایشان را تصدیق می‌کرد آن‌ها را زیر نظر داشت (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ص ۴۰۵). این سازمان، برای حضور مستمر و نظارت دقیق، مکانی با عنوان دکه حسبه در بازار داشت و از دستیارانی به نام عریف یا عریف السوق برای نظارت کامل و سریع تر بهره‌میرد؛ زیرا مشاغل و تخصص‌های غذایی فراوانی در بازارها، به‌ویژه شهرهای بزرگ، وجود داشت و محاسب نمیتوانست با

آگاهی های محدود خود، غش و دیگر رفتارهای فریبکارانه را در تمام این مشاغل تشخیص دهد. این همکاران محتسب را نایب نیز مینامیدند. در بسیاری از مواقع عریف و حتی محتسب از میان اصناف مختلف برگزیده میشدند تا اشراف آن‌ها به فنون مشاغل، به حذف ناراستی‌ها سرعت ببخشند (ابن اخوه، ۱۳۳۷: ص ۲۱۶). در مواقع غیرعادی به خصوص، در هنگام بروز عوامل تهدیدکننده؛ عواملی مانند قحطی، خشکسالی، جنگ یا محاصره های طولانی مدت که خوراک و به‌طور مشخص تر، قوت غالب مردم را تهدید میکردند. در این زمان، دولت‌ها توسط حسبه بر امنیت غذایی نظارت میکردند (ماوردی، ۱۹۴۸: ص ۵۰۶).

مسیرهای تجاری به بغداد

امور تجاری از راه ارتباطات و تبادل کالاها از مسیرهای و راه های مواصلاتی صورت میگرفت و عصر عباسی شاهد شکوفایی و پیشرفت زیادی مسیرهای تجاری زمینی و دریای بودیم. منطقه ی بغداد از طرفی به دو رود بزرگ قابل کشتیرانی همچون دجله و فرات دسترسی داشت (مکی، ۱۳۸۳: ص ۲۹۵) و از طرف دیگر به لنگرگاه جهانی بصره نزدیک بود و همچنین در یک منطقه ای بیابانی قرار داشت که همهی راههای زمینی جهان شناخته شده آن زمان، از آن خارج یا به آن ختم میشد (لسترنج، ۱۳۳۷: ص ۳۳). خلاصه اینکه شرق به غرب؛ و شمال به جنوب منطقه از طریق بغداد به یکدیگر متصل می‌گردی (فرای، ۱۳۳۳: ص ۲۱۸/۵). در قرن چهارم، بغداد در غرب جهان اسلام، بار اصلی تجارت سرزمین‌های شرقی را به دوش می‌کشید (اشپولر، ۱۳۷۹: ص ۱۱۸). در این دوره، تجارت و بازرگانی دریایی به شدت رواج یافت و دریانوردان بزرگی مانند ابن کهلان و ابن شاذان از ناخدایان معروف سیراف بودند که در دفاتر تجاری آن مهم‌ترین معاملات بازرگانی آن عصر صورت می‌گرفت. روی کشتی‌ها علمای منجم با وسایل و آلات دقیق به مراقبت و هدایت کشتی مشغول بودند (راوندی، ۱۳۷۵: ص ۹۲/۵). شهر بغداد از طریق مسیر کشتیرانی دجله با شهرهای واسط، بصره، ابله، اهواز، فارس، موصل، یمامه، بحرین، دیار ربیع، آذربایجان، ارمنستان و سرزمینهای چین، هند، جزیره و روم ارتباط داشت و از طریق مسیر کشتیرانی فرات به رقه، شام و مصر مرتبط میشد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ص ۵). انواع کالا، آذوقه، خواروبار و سایر اجناس از این مناطق وارد بغداد میشد که واردات فراوان موجب رونق اقتصادی بازارها، فراوانی اجناس و کاهش قیمت بود.

جاده ابریشم پس از عبور از آمل (چارجوی فعلی در کنار جیحون)، در مسیر غربی، به بخش های میانی خراسان در مرو می پیوست و پس از گذر از شهرهای ایالت مرو، نیشابور، بیهق، دامغان و ری به ساوه و سپس به حلوان در غرب ایران می رسید و از آنجا وارد عراق و بغداد می شد^۱ (ابن رسته، ۱۳۳۵: ص ۲۰۱).

۱- این جاده در دوره عباسیان، معروفترین شاهراه تجاری بود که بغداد را به شرق سرزمین‌های خلافت متصل می‌کرد (ایران، وزارت راه، دفتر

اطلاعات و روابط عمومی، ۱۳۵۰: ص ۱۹).

توسعه سیستم کشاورزی

در دوران خلافت عباسی به امر کشاورزی عنایتی بسیار می‌شد (رشید، ۱۳۶۹: ص ۴۰). خلفای عباسی به فکر منبع درآمد جدیدی بودند که بتوانند از طریق آن هزینه های دولت و کشور را تأمین نمایند به همین منظور به امور کشاورزی، صنایع، معادن و تجارت توجهی ویژه نمودند و با ایجاد فضایی مناسب، اوضاع اقتصادی کشور از رشد و رونق بالایی برخوردار شد. خلافت عباسی به امور کشاورزی و بخصوص احیای تاسیسات آبیاری توجه فراوان نمود و به لایروبی کانالهای قدیمی و کشیدن کانالهای جدید همت گماشت (آبلیایف، ۱۹۹۶: ص ۲۲). محصولات کشاورزی بزرگترین گروه غذایی، غالباً در روستاها و توسط ساکنان آن انجام میگرفت. با اینکه تلاش و اولویت آنان رفع نیازهای خانواده بود، مازاد تولید اغلب کفاف نیاز سالانه شهرها را می‌داد. مازاد تولید را یا روستاییان خود به بازرگانان عرضه میکردند یا مقادیری را به عنوان مالیات به دولت میپرداختند و بدین ترتیب، راهی شهرها میکردند. پیشرفت مناسبات شهری تا حد زیادی به رشد مناسبات کشاورزی و گسترش اقتصاد زراعی بستگی داشت (یوسفی فر، ۱۳۸۷: ص ۶) و مواد خام صنایع نیز در درجه اول متکی بر محصولات کشاورزی بود چنانکه در این دوره، در باغها، موکاری، پنبه‌کاری و تهیه نوغان ابریشم معمول شد و به رشد صنعت تولید پارچه‌های نخی و ابریشمی در این دوره افزود (راوندی، ۱۳۵۷: ۱۰۴/۳). به قول و صاف الحضرة: حاصل کشتزارهای اطراف شهر بغدا در سال افزون بر سی هزار هزار دینار بود (بارتولد، ۲۴/۲). بخش کشاورزی از مالکان اراضی و کارگران زراعی آزاد یا برده تشکیل میشد. بین کارگران کشاورزی آزاد و برده نوعی از تخصص و نظم و ترتیب ملاحظه می‌کنیم. میان کسانی که در امر آبیاری اشتغال داشتند نوعی تخصص می‌یابیم: کارگران غیر ماهر، دولابها و چرخابها را به گردش در می‌آوردند و کارگران ماهر که «قیاس» یا «حساب» نامیده می‌شدند نظارت بر توزیع آب در نه‌های اصلی و فرعی را به عهده داشتند و مهندسان عهده دار حفر نه‌ها بودند (سعیدالشیخی، ۱۳۶۲: ص ۱۲). بین کشاورزان نیز مراتبی می‌بینیم منجمله «رئیس» یا «شیخ» است، در کنار آنان کسی دیگر بنام «عریف» که در قبال مزدی مشهور به «حق العرافه» یا «رسم العرافه» مسئول تجهیز کارگران آبیاری است. برخی از محققان بر این عقیده اند که تشکیلات این عریفان شبیه به تشکیلات نساجان و کناسان است و از اینجا است که می‌توان این تشکیلات را سر آغازی برای تشکیلات پیشه‌وری دانست که بعدها در زمینه کارهای صنعتی دقت و شمول بیشتری یافت (همان). رونق کشاورزی از طرفی باعث تکامل ابزار و وسایل کار و گسترش مشاغل صنعتی شد و از طرفی دیگر، موجب فراوانی مواد اولیه برای صنایع مختلف از جمله نساجی، رنگرزی، روغنگیری و ... گردید.

نتیجه

بغداد در عصر خلافت عباسی با ترکیب و ساختاری سیاسی و اقتصادی در مشهورترین پایتخت‌های اسلامی قرار داشت. جاذبه های سیاسی، علمی و فرهنگی بغداد در دوره خلافت عباسیان به حضور پرشمار جمعیت در این شهر منجر شد و به تبع آن رشد شهر نشینی و گسترش امور اقتصادی و امور سیاسی به تحول مشاغل در این دوره منتهی گشت. بغداد در اندک زمانی مرکز فرهنگ جهان شد. گسترش مراکز علمی و آموزشی چون بیت الحکمه، دارالعلم ها و نظامیه ها در طول پنج قرن

در بغداد موجب شد گستردگی و تخصص گرایی در علوم گوناگون، حضور علما، دانشمندان و طالبان علم موجب پدیداری و تحول در اشکال شغلی مراکز علمی و آموزشی در قرن‌های متمادی در بغداد عصر عباسی شد. افزون شدن قلمرو خلافت عباسی و نیاز حکومت به دیوان‌های جدید و پیچیدگی امور اداری موجب شد تا مشاغل جدیدی به وجود آید، چنان‌که با گسترش وظایف دبیری منصب وزارت پدید آمد. دارالخلافه نیز خود یکی از مراکزی بود که پیشه‌وران و صنعتگران و کارگران ماهر و نیمه ماهر در آن مشغول به خدمات به خلافت عباسی بودند. با رشد شهر نشینی و تجمل گرایی مردم نیازمند مشاغل خدماتی و پیشه‌های نو و تخصصی شدند. بازارهای شهر بغداد رو به افزایش نهاد. توجه خلفا به تجارت موجب افزایش بازرگانی و بازارهای گوناگون شد. گسترش خدمات عمومی همچون پل سازی، تعمیرات خانه‌ها و ساخت مریض‌خانه‌ها و یتیم‌خانه‌ها موجب شد تا بسیاری از افراد با مشاغل و تخصص‌های مختلف به سوی بغداد مهاجرت کنند. در عصر عباسی خلفای عباسی با اقداماتی نظیر احداث بناها و کاروانسراها، ایجاد شبکه‌های از راه‌های تجاری و برقراری ایستگاه‌های نگهداری در راه‌ها جهت امنیت جامعه به عمل آوردند که موجب گسترش امنیت، آبادی شهرها و تبدیل شدن بغداد به مرکز تجاری، فرهنگی و هنری شد. نظام بانکی نوین نیز موجب شد تا بازرگانان به راحتی در اقصی نقاط جهان اسلام به داد و ستد بپردازند. کشاورزی نیز یکی از عوامل تحول مشاغل در این دوره بود که با رونق کشاورزی و ساخت ابزارآلات تخصصی به صنایع کمک شایانی شد و موجب فراوانی مواد اولیه برای صنایع گوناگون گردید.

منابع

۱. ا.آبلیایف، ا.ا. (۱۳۴۲)، «اوضاع اقتصادی قلمرو خلافت عباسی»، ترجمه عنایت ا. ..رضاء، مجله معارف اسلامی، شماره ۹، صص ۲۲-۱۵.
۲. ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۷۱). الکامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
۳. ابن ابی اُصیبه، احمد بن القاسم بن خلیفه. (۱۳۸۶). عیون الانباء فی طبقات الّطباء، شرح و تعلیقات محمود نجم آبادی، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، تهران: طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۴. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، دارصادر، ۱۹۶۵م، بیروت.
۵. ابن رسته. (۱۳۶۵). الاعلاق النقیسه، حسین قره چانلو، تهران: امیر کبیر.
۶. ابن اخوه. (۱۳۶۷). محدثین احمد قرشی، آیین شهرداری در قرن هفتم هجری، معالم القریه فی احکام حسبه، ترجمه جعفر عار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۵۹). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۸. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا. (۱۳۳۳). تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۶۶). الفهرست، ترجمه محمد رضا تجلد، تهران: نشر امیر کبیر.

۱۰. معمري، ابوالعلاء (۱۹۹۸م). رساله الغفران، شرح مفيد فميجه، بيروت: دار مكتبه الهلال.
۱۱. احسن، محمدمناظر. (۱۳۳۹). زندگي اجتماعي در حكومت عباسيان، ترجمه مسعود رجب نيا، تهران: علمي و فرهنگ.
۱۲. احمد رمضان، احمد. (۱۹۷۸م). حضاره الدولة العباسيه، القاها: الجهاز المركزي للكتب الجامعيه و المدرسيه و الوسائل التعليميه.
۱۳. اشپولر، برتولد. (۱۳۷۹). تاريخ ايران در قرون نخستين، ترجمه مريم ميراحمدى، تهران: علمي و فرهنگي.
۱۴. ايران، وزارت راه. (۱۳۵۰). دفتر اطلاعات و روابط عمومي، راه و راه سازي از دوره هخامنشي تا عصر سلطنت پهلوي، بيجا.
۱۵. بابائي حائري، سعيد. (۱۳۷۳). صاحب بن عباد وزير دين پرور، تهران: مركز چاپ و نشر سازمان تبليغات اسلامي، چاپ اول.
۱۶. بووالوسين. (۱۳۵۲). برمكيان، ترجمه عبدالحسين ميكده، تهران: بنگاه نشر و ترجم.
۱۷. تاجر سيراقي، سليمان. (۱۳۸۱). سلسله التواريخ يا اخبار الصين و الهند، ترجمه حسين قره چانلو با گردآوري و اضافات ابوزيد حسن سيراقي، تهران: اساطير.
۱۸. تاد، لوئيس پل؛ كوير، كنت؛ سورنسن، كلارنس و ودر. (۱۳۴۲). سير تكاملی تمدن: سير تاريخ، تمدن و فرهنگ بشري از دورترين ازمنه تا پايان جنگ بين المللي دوم، ترجمه هاشم رضی و مجيد رضی، تهران: آسيا.
۱۹. تراي، محمد. (۱۳۹۳). شيعيان عراق پس از ۲۰۰۳، قم: ذخائر اسلامي.
۲۰. تقفي، مريم. (۱۳۸۹). آموزش در دو قرن اول، تاريخ نو، پاييز و زمستان، سال اول، شماره ۱، صص ۲۷-۴۱.
۲۱. حاجي سيد جوادى. (۱۳۷۸). دايره المعارف تشيع، تهران: محبي.
۲۲. حسني، محمد؛ حيدرزاده، زهرا، قاسم زاده عليشاهي، ابوالفضل. (۱۳۹۱). «بررسی نقش و تأثیر اخلاق اسلامي كار و فرهنگ سازمانی بر رضایت شغلی و تعهد سازمانی كاركنان دانشگاه چمران اهواز»، مدیریت اسلامي، ش ۲۰.
۲۳. حق شناس، علي محمد و همكاران. (۱۳۸۲). فرهنگ معاصر هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۲۴. حموي، ياقوت. (۱۹۹۵م). معجم البلدان، بيروت: دار صادر، چاپ دوم.
۲۵. خالقي، محمدهادي. (۱۳۸۷). ديوان نقابت، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي، چاپ اول.
۲۶. خانجی، محمد امين. (۱۳۸۳ق). منجم العمران، تحقيق علي نفقه احمد ناجی الجمالی و محمد امين خانجی و اخيه و مولوی عبدالله جيتيكر وسيد موشی شريف، مصر: مطبعه السعاده، جزء الاوّل، جلد ۹.
۲۷. خضري، بييك الشيخ محمد. (۱۹۸۹م). تاريخ الأمم الإسلاميه، «الدولة العباسية»، جلد ۲، بيروت: دارالمعرفه.
۲۸. خطيب بغلادی، احمد بن علي. (۱۹۹۷-۱۴۱۷). تاريخ بغداد، جلد ۶، بيروت: چاپ مصطفى عبدالقادر عطا.
۲۹. خنيفر، حسين؛ زارعی متين، حسن، حسن زاده، محمد صادق. (۱۳۹۱). «ارايه مدل مفهومی ارزش های کاری در چهارچوب نظام ارزشی اسلام»، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره دهم، شماره اول، صص ۴۵-۷۸.

۳۰. دوری، عبدالعزیز. (۱۹۸۱م). الفکر المهدیه بین الدعوه العباسیه و العصر العباسی الاول، به کوشش وداد قاضی، بیروت: دراسات عربیه و اسلامیه.
۳۱. رازی قزوینی، عبدالجلیل، میرجلال الدین محدث ارموی. (۱۳۹۱). باویرایش و تحقیق جدید محمد حسین درایتی، تهران: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث و تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
۳۲. راوندی، مرتضی. (۱۳۵۷). تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۳-۵، تهران: امیرکبیر.
۳۳. ربانیزاده، م. (۱۳۹۱). «گردش نظام پولی خلافت عباسی در قالب چک و سفته»، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال اول، شماره ۱.
۳۴. رشید بی، نن. (۱۳۶۹). سقوط بغداد و حکروایی مغولان در عراق (۱۲۵۸ و ۱۳۳۵ میلادی)، ترجمه اسد الله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۵. زیدان، جرجی، (۱۳۸۶). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۶. سعید الشیخی، صباح ابراهیم. (۱۳۳۲). اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران: ستاد انقلاب اسلامی مرکز نشر دانشگاهی.
۳۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۳۸۲). تاریخ الخلفاء، بیروت: الحوراء.
۳۸. صولی، ابوبکر محمد بن یحیی. (۲۰۰۷م). اخبار الراضی و المتقی بالله اوتاریخ الدوله العباسیه فی کتاب الأوراق، تحقیق و تنقیح ج. هیورث دن، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
۳۹. ضمیری، محمد رضا. (۱۳۸۰). «تربیت و جامعه»، مجله معرفت، شماره ۴۵، صص ۵۶-۸-۷۴.
۴۰. طبری، محمد بن جریر. (بی تا). تاریخ الطبری، جلد ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۱. طقوش، محمد حسین. (۱۳۸۷). دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۲. العُش، یوسف. (۱۴۱۱ق). دُور الکتب العربیه العامه و شبه العامه لبلاد العراق والشام و مصر فی العصر الوسیط، بیروت: نشر دارالفکر المعاصر.
۴۳. ———. (۱۳۷۲). کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۴. عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمیده تهران: فرهنگ نما.
۴۵. عوآد، کورکیس. (۱۹۸۶م). خزائن الکتب القدیمة فی العراق منذ أقدم العصور حتی سنه ۱۰۰۰ للهجره، بیروت: نشر دارالرائد العربی، الطبعة الثانية.
۴۶. فرای، ریچارد. (۱۳۶۳). تاریخ ایران کمبریج، جلد ۵، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۷. فرهمندپور، فهیمه؛ فرخنده زاده فرخنده (۱۳۹۳). «نقش دبیران ایرانی در تحول نظام اداری عباسیان»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره بیست.
۴۸. فیرحی، داود (۱۳۸۵). نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت.
۴۹. قره چانلو، حسین (۱۳۸۰). جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: سمت.
۵۰. کبیر، مفیزالله (۱۳۸۱). آل بویه در بغداد، ترجمه ی مهدی افشار، تهران: رفعت.
۵۱. کسائی، نورالله (۱۳۵۸). مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: امیرکبیر.
۵۲. الکیسی، حمدان عبدالمجید (۱۹۷۹م). اسواق بغداد حتی بدایة العصر البویهی، بغداد: دارالعربیة للطباعة البغداد.
۵۳. کریمی زینجانی اصل، محمد (۱۳۸۹). دارالعلمهای شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
۵۴. گوهریان، کوروش (۱۳۸۵). مدیریت آموزش در مدارس اسلامی با تکیه بر نمونه ی مدارس نظامیه، دانشگاه اسلامی، سال دهم.
۵۵. گیلدنز، آتون (۱۳۷۴). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
۵۶. لسترنج، گای (۱۳۳۷). جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، بین النهرین، ایران و آسیای مرکزی از زمان فتوحات مسلمین تا ایام تیمور، ترجمه محمود عرفان، تهران: ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۷. لومبارد، موریس (۱۳۹۰). جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۵۸. موردی، ابوالحسن (۱۹۷۹م). قوانین الوزراه و سیاسه الملک، تحقیق رضوان سید، بیروت: دارالطلیعه.
۵۹. موردی، ابوعلی محمد بن حبیب (۱۹۴۸م). الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة، قاهره: بی نا.
۶۰. متز، آدم (۱۳۶۴). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۶۱. محمد نیا، مرتضی (۱۳۸۶). ایرانیان و تأسیس مدرسه و کتابخانه نظامیه بغداد، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶۲. محمدی، ذکراالله؛ پرویش، محسن (۱۳۹۳). «دارالعلمهای دوره آل بویه و نقش آن در شکوفایی و ارتقاء علم و دانش»، دو فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، شماره ۴، صص ۴۷-۶۱.
۶۳. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴). مروج الذهب، جلد ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۶۴. مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳). تمدن اسلامی در عصر عباسیان. محمد سپهری. تهران: انتشارات سمت.
۶۵. ملک مکان، حمید (۱۳۸۹). تشیع در عراق در قرون نخستین، با همکاری امیر جوان آراسته و مصطفی سلطانی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.
۶۶. مهاجری، عباسعلی (۱۳۸۲). فرهنگ دوسویه علوم سیاسی، تهران: انتشارات دانشیار.

۶۷. موسوی، سید حسین. (۱۳۸۱). زندگی سیاسی و اجتماعی شیعیان در بغداد، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۶۸. موسی پور، ابراهیم. (۱۳۸۶). «تاریخ اجتماعی، رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۳، شماره ششم.
۶۹. الهامی، علی، جان احمدی، فاطمه. (۱۳۹۱). «بازکاوی تاثیر ساختار قدرت سیاسی خلافت عباسیان بر فراز تمدن اسلامی از ۱۳۲ تا ۲۴۷ق»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم بهار، شماره ۶.
۷۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب واضح. (۱۳۷۹ق - ۱۹۶۰م). التاریخ، بیروت: دار صادر.
۷۱. یوسفی فر، شهرام. (۱۳۸۷). «تاملاتی بر زندگی شهری و روستایی ایران در سده های میانه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۶، صص ۸۹-۱۰۱.